



به : مینا،
این شخصیت برجسته
جنبش انقلابی افغانستان

مینا، طغیانگر بی همتا [۶]

مینا

(۱) نه بسان هر کنگینه،

که خمیر شان

از گلِ خام

و در خمِ شان

خوشه های انگورِ سرد

از بیمِ دَی،

غنوده



مینا،

جوهرت،

و آبگینه شفاف و سیالت

که در آتشفشان نمرود

و آتشدان آذرنوش

جوشیده
 "راوا" ی تو
 بسان کوره ناپیدای آسمان
 پاشیده
 برسنگر سیاه دوزخیان
 صد هزاران شهاب
 مینا، _ طغیانگر بی همتا _
 نام نامی ات
 سرلوحه ای گهنامه رزم زنان باد!



■ [۶] :-

"مینا طغیانگر بی همتا" ۱۸ سال قبل از امروز (به تاریخ ۱۰ جنوری ۱۹۹۵) سروده شده، پیوست بانامه ای از این قلم در شماره ۳۹ حوت ۱۳۷۳ - فبروری ۱۹۹۵ " پیام زن " درج می باشد. "راوا" طی نامه شماره - ۴۹۳ / ۲۳ نوامبر ۱۹۹۴ به خاطر تجلیل از هشتمین سالروز شهادت رهبر و بنیانگذارش (مینا) که به تاریخ ۴ فبرور ۱۹۹۵ در اسلام آباد برگزار می شد، از این قلم تقاضا نمود تا به پاکستان آمده در تجلیل این محفل اشتراک ورزد، همچنان در اخیرنامه چنین آمده : " در صورتیکه شرکت در محفل برایتان مقدور نباشد از دریافت پیام شما که یقیناً بیانگر همدردی و همبستگی با مردم و بخصوص زنان افغانستان اسیر چنگال خونین بنیاد گرایان خواهد بود، استقبال میکنیم."

از آنجایی که در کشور هند پناهنده بودیم و اشتراک در آن محفل مقدور نبود، نامه ذیل را با سروده فوق به آدرس " راوا " فرستادم:

« خواهران رزمنده و انقلابی، تهنیت و درود های گرم و سلامهای پر حرارت و رفیقانه تقدیم تان باد! نگارنده این نامه متأسف است که بنابر معاذیری نتوانست به پاکستان بیاید و افتخار نشست

در این گرد همایی با عظمت و هکذا کسب آشنایی و معرفت با نمایندگان محترم سازمان ها و احزاب انقلابی را نصیب گردد.

حضار محترم!

بر همگان مبرهن و آشکار است که کشور های غربی در رأس ابر قدرت یکه تاز آمریکا _ که " موسسه ملل متحد " را به چوب دستش تبدیل نموده و آنرا بنابر اقتضای منافع اقتصادی و سیاسی خود و متحدین غربیش بر سر هر کشور و ملتی که لازم داند، می گوید _ هسته های متعفن بنیاد گرای و پان اخوانیزم را در هر گوشه و کنار جهان پرورانید، و به کمک دالر، تجهیزات مدرن نظامی و دستیاران و مشاورین سیاسی و استخباراتیش از این غده های چرکین چنان هیولای هول و هراس ساخته که حتی امروز ناگذیر شده گستاخی و سرکشی آنانرا در الجزایر تحمل نماید.

با آنکه ابعاد شخصیت اجتماعی، سیاسی، انقلابی، هکذا کارنامه های رنگین و حماسه آفرین مینا، در روند مبارزه اش به خاطر رهایی نصف جامعه، یعنی زنان مظلوم و ستم دیده کشور، توسط همزمان بی باک و ادامه کارش، از جانب سایر پیکارگران دلیر افغان که در راه آزادی میهن اسارت دیده از چنگال کرگسان (CIA و ISI) و پنجال شغالان عرب و ایران و چاکران "سازمان اطلاعات خارجی روسیه" سرگرم رزم و نبردند، همچنان از طرف شخصیت های سیاسی و نمایندگان سازمانها و احزاب انقلابی سایر کشور ها که به خاطر امر رهایی بشریت از یوغ سرمایه مبارزه می نمایند، به وضاحت بیان شده است. نگارنده علاقمند است در این مختصر نبشته، سطری چند بر آن بیفزاید.

مینا، این شیره زن شجاع و طغیانگر بی همتا، در پیشگاه مردمش، با تواضع یک انقلابی حرفه ای، پیمان خون بست تا در راه آزادی زن و آزادی کشورش تا پای جان مبارزه بی امانش را تداوم بخشد و دمی نه آساید. سازمان "راوا" _ این کانون فروزان و داغ جنبش زنان کشور را تأسیس نمود و انرژی بخشی از زنان آگاه، متعهد و رزمنده کشور را ظرفیت بخشید و بعد از شکست مفتضانه ارتش سراسیمه سوسیال امپریالیزم روس، بیشترین آتش مبارزه اش را متوجه این گله های وحشی و مدنیت سوز نمود. سر گله گوریلای های وحشی یعنی گلبدین که جز با خودش با هیچ جانور خونخواری در جهان قابل مقایسه نیست، به یاری یاران قدیمش، یعنی خادی ها، پلان قتل وی را طرح و سر انجام ترورش نمودند. خاطره اش گرامی و درفشش در اهتزاز باد!

حضار محترم!

اجازه دهید نقل قولی از پیشوای بین الملل اول (مارکس) بیاوریم:

" هرکس چیزی در باره تاریخ بداند، می داند که تغییرات بزرگ اجتماعی بدون جوشش زنان امکان پذیر نیست ". متکی به حکم فوق می توان تذکار داد که هر جوشش سیاسی، به خاطر تغییرات بزرگ اجتماعی، نیازم مبرم به ظرف و قالبی دارد که در آن مجموع انرژی مبارزان تحول پسند بهم برسد. مینای شهید نه یک بار؛ بل بار بار ثابت نمود که انسان آگاه و متعهد چگونه باید در

میان توفان خون و امواج سرب مذاب، که سوسیال امپریالیزم روس و چاکران آن در کشور راه انداخته بودند، به ستیز و جدل پردازد و در زیر پای ابلیمان اخوانی آتش انتقام افروزد و با قاطعیت و پیگیری ریشه آنان را بخشکاند. تاریخ پر ابهت کشور ما نام این زن انقلابی را بر کتیبه اش چنین رقم زده است: [سروده "مینا... " به ادامه این سطر درج نامه شده بود] در پیوند باد مبارزه "راوا" با جنبش کارگران جهان! زنده باد مبارزه مشترک کلیه نیروهای آزادیخواه و مترقی بر ضد احزاب منفور اخوانی و چاکران روسی! م. ک. ت سابق عضو سازمان انقلابی وطن پرستان واقعی [سازمان تسلیم ناپذیر و پر افتخار "ساوو" ۱۰ جنوری ۱۹۹۵ - دهلی جدید].

[۱] - کنگینه:

در فصل برداشت انگور که مصادف است باماه هفتم سال، باغداران کشور برای اینکه بتوانند انگور را از آسیب سرمای شدید زمستان حفظ نمایند، از گل خام، دو دانه تابه از داخل (مثل کاسه) فرورفته، به اندازه بیشتر از یک بلست (یک و جب) می سازند. بعد از خشک شدن تابه ها گلی، چند خوشه انگور را در میان تابه اولی جای داده، بردور لب آن اندک گل نرم گذاشته، تابه دومی را بروی آن قرار می دهند. بعداً با گل آبگین دور آنرا می مالند. بدینگونه انگور از گزند سرمای شدید زمستان محفوظ می ماند. بعضاً باغداران و میوه فروشان کنگینه را به مشتریان هم عرضه می نمایند. مردم در همین زمینه مثالی دارند: «مرد مینا ها، که سر کشید کنگینه ها». مراد از آن، مقایسه افراد نابکار، نافهم؛ پرمدها و خود نما و جاه طلب است (که زنده اند) با اشخاص بافهم، کاردان، با تجربه و فروتن و فداکار (چه در صحنه سیاست و چه در امور اجتماعی) که به گونه ای از کار برکنار ساخته شده اند و یا زندانی یا اعدام شده و یا به مرگ طبیعی در گذشته اند.

یکی، یعنی کنگینه (که از گلی نارس و دنی در کمترین مدت و به سادگی شکل گرفته، انگور با هسته و پوست و برگش را در خود جای داده)، خودش را در هم چشمی و رقابت با دیگری؛ یعنی مینا (که با دست استاد کار، مواد اولینش در کوره آتش به قوام و مراحل عالی رسیده، تنگ بلور پردرخشش و شفاف گشته، آب تخمیر شده انگور که انبیب دیده، باده گوارو آتشگون شده، سکر و آرامشی بخشیده به نوشنده و...) قرار می دهد؛ بسان مقایسه دست نشاندگانی مثل ببرک و کوزی با میرویس نیکه و شاه امان الله خان!